

بعثی در باره

معراج پیامبر

* يك بحث پیچیده همراه با سؤالات و ناسخون

* عقیده معراج در میان سائر ادیان

* قرآن در باره معراج چه میگوید؟

کمتر کسی است از مسلمانان که سخنی درباره «معراج» پینمبر (ص) نشنیده باشد و در باره صحت این قضیه و سپس در مورد جزئیات آن از خود «سؤالاتی» نکرده باشد. گاهی این سؤالات برای عده‌ای همچنان بدون جواب میماند و توضیحات کافی و قانع کننده‌ای برای آن نمی‌یابند، بعضی آنرا جزء خرافات حساب می‌کنند، و عده‌ای هم با سکوت آمیخته با تردید بآن می‌نگرند.

تصمیم ما اینست (بخواست خدا) در این بحث باین پرسشها جوابهای صریح و روشنی داده و سؤال کنندگانرا از هر گونه تردید و شک بیرون آوریم.

* * *

مجموع سؤالات اساسی که در این بحث ممکن است مطرح شود چند موضوع است:

۱- آیا راستی در قرآن مجید و روایات معتبر و گفته‌های دانشمندان بزرگ اسلام مدرک روشنی بر مسئله معراج وجود دارد؟ یا اینکه این مسئله تنها در کتابها و روایات ضعیفی مطرح شده است که از نظر بحثهای علمی و منطقی فاقد ارزش میباشند؟

۲- اگر چنین موضوعی بامدارک قطعی ثابت شده، آیا منظور اینست که پینمبر اسلام (ص) با همین بدن هادی یک سیر دامنه دار فضائی در آسمانها انجام داده است، یا این جریان در عالم «رؤیا و خواب» اتفاق افتاده؟ و عبارت دیگر آیا معراج روحانی بوده است یا جسمانی؟ (۱).

(۱) تذکر این نکته لازم است که برای معراج روحانی معنی معقولی جز مسئله خواب یا حالتی شبیه خواب نمیتوان پیدا کرد، چون اگر معراج روحانی بمعنی جدائی مطلق روح از بدن باشد چیزی جز مرگ نخواهد بود.

۳ - اگر پیامبر دست بچین سیر آسمانی زده باچه وسائلی ، بوده است ، با اینکه حتی وسائل فعلی مسافرت های فضائی در آن موقع وجود نداشته ، و از این گذشته اگر قبول کنیم پیغمبر اسلام مسافرت بتمام نقاط آسمان بیکران کرده يك مشکل بزرگ از نظر «زمان» پیش می آید ، زیرا زمان لازم برای این کار آنقدر زیاد است که نه تنها با آنچه درباره معراج پیغمبر میگویند تطبیق نمیکند با تمام عمر پیغمبر اسلام هم میسر نیست .

چون بالاترین سرعت های ممکن در جهان ماده از نظر «علم امروز» سرعت سیر نور است که در هر ثانیه تقریباً ۳۰۰ هزار کیلو متر راه را طی میکند و اگر (فرضاً) کسی با مریکی که سرعت آن معادل سرعت سیر نور است با سامانها پرواز کند تنها برای رسیدن به نزدیکترین ستارگان ثوابت یعنی ستارگان بیرون منظومه شمسی (توجه داشته باشید سیارات منظومه شمسی ، نسبت بفواصل فضائی ، فاصله زیادی از ما ندارند) چهار سال و چند ماه طول خواهد کشید (۱) .

و اگر مثلاً بخواهد ستاره «شعراى یمانی» که از نظر فاصله با زمین در مرتبه هفتم قرار دارد ، برسد این مسافرت تقریباً ۹ سال بطول میانجامد (۲) و البته ستارگانی هستند که برای رسیدن به آنها صدها ، هزاران ، بلکه میلیونها سال (با چنان مریکی) وقت لازم است .

تازه همانطور که اشاره شد بدست آوردن مریکی با سرعت سیر نور فرضیه ای بیش نیست زیرا طبق تحقیقات دانشمندان (مخصوصاً آینشتین) اگر جسمی در فضا با این سرعت حرکت کند آنقدر کوچک میشود که «جرم» آن به صفر خواهد رسید و عبارت دیگر از «ماده» به «انرژی» تبدیل میشود .

۴ - از همه اینها گذشته سؤال دیگری پیش می آید که منظور از سیر پیغمبر با سامانها - با این همه در دسری که مسافرت های فضائی دارد - چه بوده است ؟ آیاه منظور باریافتن بیارگاه کبریائی خداوند و ملاقات با او بوده است ؟ مگر خداوند مانند زمانداران روی زمین بارگاه و دم و دستگاهی دارد ؟ مگر او جسم است و محل و مکانی دارد ؟ با اینکه همه میدانیم او در همه جا هست و سراسر جهان پهناور مرکز فرمانروئی اوست ، او به بندگان خود از همه چیز نزدیکتر است ، او هرگز از ما دور نخواهد شد که کسی بخواهد در آسمانها

(۱) این ستاره ستاره ای است بنام «پروگسیما» در صورت فلکی «قنطورس» .

(۲) ستاره شعراى یمانی درخشنده ترین ستارگان آسمان است و لذا شناختن آن باسانی

ممکن میباشد .

بجستجوی او بر خیزد .

اینها مهمترین سؤالاتی است که در مسئله «معراج» مطرح میشود و باید پاسخ قانع کننده و علمی آنها را دریافت .

* * *

ولی پیش از آنکه شروع به بررسی این سؤالات و پاسخ آنها کنیم اجازه دهید ببینیم آیا گفتگوی «معراج» در میان پیروان ادیان دیگر نیز بوده یا مسلمانان نخستین کسانی هستند که در این باره گفتگو کرده اند ؟ .

مطالعه عهدین نشان میدهد که مسیحیان «معراج» را دربارهٔ مسیح بصورت عجیبی معتقدند ، آنها میگویند :

«در مورد عیسی مسیح چیز غریبی اتفاق افتاد ، زیرا پس از اینکه هر ده بود و دفن شده بود ! مطابق پیشگویی خودش از مردگان برخاست ، در روز یکشنبه که سومین روز پس از مصلوب شدن و دفنش بود ، از «قبر» بیرون آمد و بشاگردانش ظاهر شد ، و در مدت چهل روز اشخاص زیادی او را زنده دیده و با او صحبت کردند ، آنکاه در حضور شاگردانش با آسمان «صعود» کرد او اکنون در آنجا در نزد «خدای پدر» زیست میکند» (۱) .

همانطور که ملاحظه میکنید مسیحیان معراج مسیح را بصورت عجیبی یعنی پس از کشته شدن و دفن شدن و سپس زنده شدن و چهل روز در میان مردم زندگی کردن می دانند آنهم یک معراج ابدی ! .

البته منظور از نقل گفتار بالا این نیست که آنچه آنها گفته اند ما تصدیق کنیم بلکه منظور اینست که طرز تفکر و عقیده مسیحیان را درباره عیسی مسیح از نظر بگذرانیم .

* * *

اکنون به بررسی سؤالات چهارگانه فوق پردازیم ، ولی از عموم خوانندگان گرامی خواهش میکنیم این بحث را همراه ما قدم بقدم با دقت و بی نظری تعقیب کنند و پیش از بررسی تمام جهات و اعلام ختم این بحث از هر گونه قضاوت خودداری نمایند .

(۱) برای توضیح بیشتر این مطلب به انجیل «هر قس» ، باب ۱۶ و انجیل «لوقا» ، باب ۲۴ و انجیل «یوحنا» ، باب ۲۱ میتوانیم مراجعه فرمائید ، ولی عبارت فوق عیناً از یکی از انتشارات اخیر مسیحین بنام «اسم او عجیب خواهد بود» نقل شده است .

اما در مورد این سؤال که آیا در قرآن مجید اشاره ای بمعراج شده است یا نه ؟ باید گفت که در دو سوره از قرآن بطور اجمال در این باره بحث شده :

۱ - در سوره بنی اسرائیل (آیه اول) چنین میخوانیم: **سَبَّحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ**

لِيَلْمَنَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُنَّ آيَاتِنَا

أَنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ : پاک و منزّه است آن خدائی که بنده خودش را در شبی از مسجد الحرام

به مسجد اقصی که در سرزمین مبارک و مقدسی واقع شده برد ، تا آیات و نشانه های (عظمت) ما را ببیند ، او شنوا و بیناست . در این آیه تنها به «مقدمه معراج» یعنی حرکت از سرزمین «مکه» به «بیت المقدس» اشاره شده و در باره سیر آسمانها بحثی در آن نیست .

از این آیه چند نکته استفاده میشود و آن اینکه: سیر مزبور از خود مسجد الحرام صورت گرفته و تمام آن در يك شب واقع شده ، و هدف این سفر عجیب مشاهده آیات عظمت خداوند بوده است . ضمناً ظاهر آیه اینست که جریان مزبور در بیداری بوده نه در خواب (زیرا مفهوم جمله **أَسْرَى بِعَبْدِهِ** اینست که خداوند بنده اش را بچنین مسافر تی برد . بعلاوه شروع آیه با کلمه سبحان که نشانه اهمیت مطلب است نیز مؤید این مطلب میباشد و الا خواب دیدن موضوع مهمی نیست که باین تعبیر ذکر شود) .

۲ - در سوره نجم در آیات ۱۳ تا ۱۸ میفرماید: **وَلَقَدْ آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا آخِرَى . عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى . عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ، أَذْيَغْنَى السُّدْرَةِ مَا يَغْنَى ، مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَطَفَى .**

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى .

خلاصه مفاد این شش آیه اینست که پیغمبر اسلام (ص) برای دومین بار فرشته وحی (جبرئیل) را بصورت اصلی مشاهده و ملاقات کرد (مرتب اول در آغاز نزول وحی در کوه حرا بود) و این ملاقات در نزد بهشت جاویدان صورت گرفت ، و چشم پیغمبر در مشاهده این منظره دچار خطا و اشتباه نشد ، و آیات و نشانه های بزرگی از عظمت خدا را مشاهده نمود .

گرچه در این آیات تصریحی بمعراج و وقوع این ملاقات ، و مشاهده آن آیات عظمت در آسمانها نشده است ، ولی قرائن موجود در آیات گواهی میدهد که این جریان هنگام سیر پیغمبر (ص) با آسمانها رخ داده است . از جمله اینکه تصریح میکند که ملاقات مزبور ، نزد بهشت جاویدان صورت گرفت (۱) لذا اکثر مفسران شیعه و سنی این آیات را مربوط به معراج پیامبر (بقیه در صفحه ۶۰)

(۱) قرائنی از نظر آیات و روایات در دست است که بهشت که جایگاه نهائی مردم نیکوکار می باشد در کره زمین نخواهد بود .

ما و تعالیم اسلام

ماه مبارک رمضان تمام شد . این ماه پر خیر و برکت پایان رسید . از این روزهای بزرگ و مقدسی که گذشتند چه سعادت عظیمی را میتوانستیم کسب کنیم . خوشحال آنهائیکه توفیق یافته و این ماه را عبادت پروردگار و بندگی خدای یکتا گذرانندند هنگامیکه این ماه سپری شد دل و جان آنها بنور عبودیت و عبادتی که انجام داده اند روشن است .

اینهاسرگز زیر بار بندگی «بندهای خدای» نخواهند رفت چون کسی که خود را بنده «خدای» میداند و تنها در برابر عظمت و جلال کبریائی سر بکشد میبندد دیگر بندگی «بندهای خدای» عار و ننگ اوست .

ای کاش این مردان راه حق ، این افراد روشن ضمیر بتوانند بادم گرم خود روح سرد و فکر بخواب رفته ما را شعله خیز و بیدار کنند . بما پیاموزند که بندگی خدا چقدر پرشکوه است ، چه جلالی دارد و چقدر پر ارج و گرانقدر است . هیچکس پس از رسیدن بآن حاضر نخواهد شد زیر بار ننگ بندگی بندگان خدا برود .

این ماه چه مبارک ماهی بود ، چه مقام بزرگی دارد که از میان همه ماههای سال «مبارک» نامیده شده و پراز خیر و برکت است .

این ماه را مسلمانان میهمان خدا هستند و چه سعادت میخواید که انسان بمقامی برسد که میزبان او خدای بزرگ باشد !

ای خدای قادر و متعال که عده قلیلی این ماه را در میهمانی تو گذرانند آیا میشود که بنفس پاک آنان ما را مورد توجه خاص و عنایت خود قرار داده نظری بر ما فراموش شدگان که ارتکاب گناه و تحمل ظلم ما را از آستان تو دور کرده است بیفکنی ، باشد که از کرامت و بخشایش تو بهره مند گردیم ؟

ای خدای توانا که هیچکس را یارای گرفتن تصمیمی جز آنچه تو بخواهی نیست آیا ممکن است که رحمتها و توجهات تو شامل حال ما گردیده و از گرداب این سکوت و سکون و این آرامش قبل از طوفان ما را نجات دهد ؟ چگونه ممکن است که چشم منتظر و امیدوار ما را که بیش از این طاقت انتظار ندارد براه بگذاری و دل آرزومند ما را مأیوس و محروم از کرامات

خودگردانی ؟

ای خدای بزرگ که بینندگان خاص خود چنان مقامی می بخشی که از ازل تا ابد در دنیا نام آنها با احترام یاد میشود و بر سین روزگار چون «الماسی گرانبها میدرخشند ، همچنانکه بشاه مردان علی (ع) آنچنان مقامی بخشیدی وقتی صدای نافذ و گیرای علی در صحن مسجد پیچید «الله اکبر» و جماعتی که به همراه او نماز می گذاردند تکبیر علی را دنبال کردند و در میان این زمزمه روحانی هنگامیکه علی (ع) سر بسجده نهاد و همه سر را بسجده گذاردند برق شمشیری درخشید و خون پاکیزه و گرم او بر خاک جاری گشت غوغائی مسجد را فرا گرفت و ضارر بلا - فاصله دستگیر گردید و شاه مردان در آن حال سفارش وی را میفرمودند که او را آزار ندهید ، باو غذای خوب بخورانید تا هنگام قصاص در رسد !

* * *

ای علی ! توجه بزرگ مردی بودی که دیگر چشم جهان نظیرت را بخود ندیده و نخواهد دید . ای پناه بی پناهان و ای مظهر عدل و انصاف کجا هستی تا ببینی فرزندان ما اسیر چه بد بختی - ها و گمراهی ها هستند . ببینی که نسل جوان ما ، جوانان تحصیل کرده و روشنفکر ما ، نسلی که فردای مملکت و سرنوشت ملت بدست آنان خواهد بود چگونه بزنجیر هرز گیها ، لغزشها و اعتیادهای وحشت انگیز گرفتارند و ما عاجزانه بسقوط و انحطاط آنان چشم دوخته و تماشاگر صحنه های فبیح و رقت انگیز زندگی این زنده بگور رفتگان هستیم ، دنیا با همه وسعتش برای آنان گوری بیش نیست ، گوری که آرزوها و هدفهای عالی آنان را در خود فرو میبرد و آنها را به بدترین وضعی اسیر خود کرده است ، گوری که از آنجا راهی بسوی نجات نیست .

* * *

اینجا باید چند کلمه ای هم با بانوان مسلمان صحبت کنیم .

خانمهای عزیز ! مادران ارجمند ! روی سخن باشماست ، شمائی که مسئولیت اداره و تربیت فرزندان باشماست برای چه در انجام این وظیفه خطر سهل انگاری می کنید چرا بفرزندان خود اجازه میدهید بجای اینکه از پیشرفت قابل توجه ملل اروپائی در علم و صنعت تقلید کرده و در این مورد با آنان رقابت کنند از کاباره ها ، دانسینگ ها و هرز گیهای شبانه آنها تقلید کرده شب بنده داری میپردازند ، شب بنده داری با اعمال خلاف اخلاق ، شب بنده داری برای رقصیدن و عریضه کشیدن . آيا شما هم مثل من از شنیدن یا خواندن آماري که دريکي از روزنامه های معروف چاپ شده بود بخود لرزیدید ؟ آيا شما هم تکان خوردید ؟ آيا شما هم ساعت های طولانی ب فکر فرو رفته و با عاقبت شوم و وحشت آور این بد بختی بزرگ اندیشیدید ؟ نمیدانم ، ولی من بحالتی دچار شدم

که توصیف آن برایم مشکل است . میدانید این آمار مربوط به چه بود ؟ این آماري بود که از معتادین بهروئین گرفته بودند ! .

تعداد این افراد بدبخت به بیست هزار نفر میرسد این تنها از تهران گرفته شده بود وای بروزی که از همه شهرهای ایران آماري گرفته شود آنوقت یکرقم سرسام آورو گیج کننده خواهیم داشت این چه بلائی بود ؟ ! چه بلای خانمانسوز و خانمان براندازی است که بجان مردم این آب و خاک افزاده است ؟ .

پیدا است که دستهای اجنبی در این زمینه کار میکنند ولی چرا ؟ چرا باید ما بگذاریم این مرض مسری و کشنده ، این میکرب خطرناک و هلاک کننده ، این سم مهلك و کاری اینطور رواج پیدا کند و آینده و زندگی فرزندان ما را تهدید نموده نسل جوان را که چشم امید ما و چراغ روشنی بخش جامعه ما هستند این چنین آلوده گرداند ؟ آیا هیچ میدانید که يك معتاد بهروئین برای اینکه باین زهر قتال دست یابد بهر خیانت و جنایتی تن خواهد داد ؟ ای وای بر سر نوشت ما و فردای ما که نسلی محروم و بدبخت و معتاد باید آنرا در دست بگیرند !

(بقیه از صفحه ۵۷)

دانسته و شرح جریان معراج را در ذیل این آیات بیان کرده اند .

این آیات نیز ظاهر در اینست که این حادثه در بیداری اتفاق افتاده و آیه **ما زاغ البصر وما طغی**، (چشم بینم بر دچار خطا و انحراف وطنیان نشد) گواه دیگری بر این موضوع میباشد و آیه **لقد رای من آیات ربه الکبری** : (قسمتی از آیات و نشانه های بزرگ عظمت خدا را مشاهده کرد) نیز هدف این سیر آسمانی را اجمالاً روشن میسازد .

البته در تفسیر این آیات سخن بسیار است اما خلاصه آن که مربوط به بحث ماست همان بود که در بالا اشاره شد .

بخواست خدا در شماره آینده بحثی هم از نظر روایات و عقیده دانشمندان بزرگ اسلام در این زمینه کرده سپس اشکالات مسئله را یک یک بررسی میکنیم ، از بحثهای فوق همین اندازه استفاده شد که موضوع «معراج» در قرآن مجید بطور اجمال بیان گردیده است .